

## تربیت دینی کودک؛ زمینه‌ساز مهارت تصمیم‌گیری آزادانه

اگر فرزندان ما، از دوران کودکی، مهارت آزاد بودن را فراگیرند و عقل‌محور و خردگرا پرورش یابند، از بسیاری از آسیب‌ها و معضلات اجتماعی، در امان خواهند ماند.



اگر فرزندان ما، از دوران کودکی، مهارت آزاد بودن را فراگیرند و عقل‌محور و خردگرا پرورش یابند، از بسیاری از آسیب‌ها و معضلات اجتماعی، در امان خواهند ماند.

به گزارش خبرنگار مهر، محمدحسین ملامیرزایی، مدرس و پژوهشگر حوزه عفاف به مناسبت روز جهانی کودک در یادداشتی با عنوان مهارت آزاد بودن به اهمیت تربیت کودک از منظر دینی و الهی پرداخته است:

روز جهانی کودک، فرصت خوبی، برای توجه بیشتر افکار عمومی، نسبت به وضعیت کودکان به عنوان آینده سازان جامعه بشری می باشد. اما در این میان بیشتر به آمارهایی نظیر کیفیت تغذیه، بهداشت، تحصیل و امکانات رفاهی و امثال آن پرداخته می شود و کمتر به موضوعات تربیتی و شاخص های رشد اخلاقی و معنوی در کودکان پرداخته می شود. لذا شاهد آن هستیم که با وجود افزایش نسبی رفاه و برخورداری مادی کودکان، پرورش و تربیت آنان، از روند رو به رشدی برخوردار نبوده؛ بلکه هر سال آمار ناهنجاری های اجتماعی همچون: خشونت، اعتیاد، اختلالات جنسی و فساد اخلاقی در بین کودکان رو به افزایش است. لذا بنا داریم در این مجال، به چگونگی تربیت و تعامل با فرزندان به خصوص کودکان پسران تا بتوانیم نسلی سالم و متعالی را برای جامعه فردا به ارمغان آوریم.

در مقوله تربیت فرزند، مسائل خرد و کلان گوناگونی وجود دارد که هر یک، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. اما یکی از مسائلی که نقش بنیادین و اساسی در نحوه مدیریت تربیت فرزندان دارد مقوله آزادی آنان است.

آیا باید فرزندان را آزاد گذاشت یا باید محدودشان کرد؟ به چه دلیل؟ و چگونه؟ سؤال اصلی آن است که آیا باید برای فرزندان محدودیت قائل شد؟ آیا اساساً محدودسازی در فرآیند تربیت جواب گو است؟

در بررسی این سؤال باید گفت: انسان ذاتاً آزاد آفریده شده است و سرشت او بر انتخابگری نهاده شده است. انسان تنها موجودیست که از موهبت عقل بهره مند است و همین ویژگی است که او را شایسته اشرفیت بر سایر مخلوقات ساخته است. کارکرد عقل، سنجش، مقایسه و در نهایت حکم به ترجیح راجح بر مرجوح است تا انسان بتواند بر اساس آن مسیر خود را انتخاب کند. از این رو انسان ذاتاً موجودی مختار و انتخابگر است و مختار بودن معنا ندارد مگر آنکه فرد، آزاد باشد تا بتواند انتخاب کند پس انسان ذاتاً آزاد آفریده شده است تا این که بتواند انتخابگر باشد. بنابراین ما نمی توانیم این حق اساسی یعنی آزادی را از فرزندانمان سلب نمائیم اما از سوی دیگر می بینیم اگر به حال خود رها شوند به فساد، انحراف و تباهی کشیده می شوند! پس چه باید کرد؟!

باید توجه داشت که نباید فرزندان را محدود کرد به این معنا که یکسری قوانین خشک برایشان وضع کرد که باید از آنها صرفاً به جهت آن که قانون هستند تبعیت کنند و در صورت تخلف مؤاخذه شوند. بلکه باید به فرزندان آزاد زیستن را آموخت.

آزادی بیش از آنکه حق باشد که البته هست؛ یک مهارت است و مهارت نیز آموختنی است. آزادی به معنای یله و رها بودن در انتخاب هر مسیری و باری به هر جهت بودن نیست. بلکه مراد از آزادی انتخابگری بر اساس فهم، اندیشه، تعقل و سنجش است. این که خود فرد به پشتوانه تعقل و مصلحت سنجی به نتیجه برسد که مثلاً باید فلان مسیر را برگزیند. لذا عنصر اصلی آزادی، تعقل و خردگرایی است. زیرا این فرد است که با عقل خود می سنجد، سبک و سنگین می کند و با مصلحت سنجی انتخاب می کند. وقتی میگوییم باید فرزندانمان آزاد باشند یعنی باید بتوانند سنجش کنند؛ بیندیشند و بر اساس آن، انتخابگر باشند.

بنابراین باید رویکرد نه سلبی باشد که فرزندان را محدود کنیم و نه خنثی باشد که آنها را رها سازیم بلکه باید ایجابی-حمایتی باشد؛ یعنی باید گام به گام به آنها اندیشیدن و انتخابگری مبتنی بر تعقل و سنجش را آموزش داد. در واقع آزاد بودن را به آنها آموخت. اما راجع به این که باید چه فرآیندی را در پیش بگیریم تا به این مهم نائل آییم به روایتی از نبی مکرم اسلام (ص) تمسک می جوئیم.

«الْوَلَدُ سَيِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ فَإِنَّ رَضِيَّتَ رَضِيَّتَهُ وَ خَلَائِقَهُ خَلَائِقُهُ وَ لِأَخْدَى وَ عِشْرِينَ وَ إِلَّا قَاضِرْبُ عَلَى جَنِّهِ فَقَدْ أُعْذِرْتَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى» [۱]؛ «فرزند هفت سال، آقا و سید است و در هفت سال دوم، عبد و فرمانبر و در هفت سال سوم وزیر است. اگر از اخلاق او در بیست و یک سالگی، راضی بودی فبها، وگرنه بر پهلویش بزن که عذرت پیش خداوند موجه است».

در روایت شریفه، دوره تربیت فرزند به سه دوره هفت ساله تقسیم شده است که بنا داریم مراد از هر دوره را بررسی کرده و چگونگی آموزش آزاد زیستن را بر اساس آن تبیین کنیم.

#### دوره اول [تا ۷ سالگی]

از این فقره روایت که کودک در هفت سال اول سید است برخی گمان کرده اند که باید کودک، رها باشد و هر کاری که می خواهد بکند و هیچ کس کاری به کار او نداشته باشد. و حال آنکه چنین چیزی درست نیست. شاهد نادرست بودن این برداشت، روایت دیگری از امیرالمؤمنین (ع) است که می فرماید: «رَبِّي وَالصَّيِّءُ سَبْعًا»؛ «کودک در هفت سال اول، باید پرورش یابد». این سخن حضرت به خوبی، رها گذاشتن کودک را نفی می کند و پرورش و رشد او را مورد تأکید قرار می دهد.

بر اساس آنچه گفته شد، مراد از روایت نبوی آنست که باید کودک، مانند سید و آقا، بزرگ و عزیز داشته شود (لطافت و ظرافت عاطفی و روانی او در نظر گرفته شود). نباید مورد امر و نهی، مؤاخذه و همینطور آموزش مستقیم قرار بگیرد. در این مرحله باید کودک آزاد بودن [مهارت سنجش و اندیشیدن] را از رفتار و کردار والدین به طور غیر مستقیم بیاموزد. کودکان در این دوره هرچه را با چشمان خود ببینند، بیشتر باور می کنند تا اینکه همان مطلب به آنها گوش زد شود. وقتی کودک، ببیند پدر و مادرش برای انجام هر کاری با هم مشورت می کنند و با سنجش و استدلال برای کارهای خود تصمیم گیری می کنند؛ او نیز در بازی کودکانه اش با عروسکش برای نوع رفتارهایش دلیل و منطق می آورد. بدین بیان سید و آقا بودن با پرورش یافتن و مهارت آموزی غیرمستقیم برای آزاد زیستن منافاتی ندارد.

#### دوره دوم [از ۷ تا ۱۴ سالگی]

در هفت سال دوم باید کودک [۲]، به طور مستقیم مورد آموزش قرار بگیرد. این که در روایت آمده در هفت سال دوم باید عبد و مطیع باشد یعنی باید والدین گام به گام مراحل آزاد بودن، اندیشیدن و سنجیدن را با کودک همراهی کرده و آموزش دهند و چگونگی به کار گیری شاخص ها را در سنجش و تجزیه و تحلیل به صورت عینی آموزش دهند و در این میان از او بخواهند تا در این خردورزی و سنجش مشارکت کند تا مهارتش افزایش یابد و در آخر، نتیجه ای که از آن به دست آمد را حتما ملتزم باشد و اگر تخلف کرد مورد مؤاخذه قرار بگیرد. این نوع برخورد در این دوره بسیار جوابگو است. زیرا از سویی فرزندان در این دوره سنی، هنوز وابستگی های روحی خود را به والدین دارند لذا از فرمانبرداری بیشتری برخوردارند و از سوی دیگر به حس کنجکاو و پرسشگری آنان که مقدمه ورود آنان به دوره استقلال طلبیست پاسخ مثبت داده می شود و هم مقصود اصلی یعنی مهارت آموزی آزاد زیستن، محقق می شود.

#### دوره سوم [از ۱۴ تا ۲۱ سالگی]

در هفت سال سوم، پس از آن که فرزند، یک دوره هفت ساله را تحت نظر و آموزش مستقیم والدین مهارت آموزی کرده تا چگونه فکر کند و انتخاب کند، حال خودش باید به تنهایی بسنجد و برگزیند و دیگر نباید والدین، مشارکتی در روند اندیشه و تحلیل فرزندان داشته باشند و مانند یک وزیر همه امور را به او بسپارند یعنی می توان حتی امور فراتر از شخص خودش به طور مثال برخی از ساحت های مدیریت خانواده را به او واگذار کرد و در این میان والدین فقط بر مراحل کلیات سیر انتخابها و تصمیمات وی نظارت داشته باشند و اگر جایی خطائی دیدند تذکر بدهند و در واقع در اینجا استقلال در آزاد زیستن را به او می آموزند.

#### سخن پایانی

اگر فرزندان ما، از دوران کودکی، مهارت آزاد بودن را فرا بگیرند و عقل محور و خردگرا پرورش یابند، از بسیاری از آسیب ها و معضلات اجتماعی، در امان خواهند ماند و در مسیر تعالی و شکوفائی حقیقی قرار خواهند گرفت و در زندگی شخصی و اجتماعی خود، عنصری فعال، مفید و کارآمد خواهند بود.

پی نوشت:

[۱]- بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۱۰۱؛ rlm، ص ۹۵.

[۲]- در کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد، کودک به هر انسانی که زیر هجده سال تمام باشد گفته می شود.